



۲۰۱۹/۰۴/۲۳



صلاح الدین سعیدی

سفارشات و سفارش مشخص به رئیس جمهور!



یادداشت:

چنانچه در تاریخ بالا می بینید این مقاله جناب سعیدی صاحب یک ماه قبل موصلت نموده و به اثر غفلت و اشتباهی به نشر نرسیده است که با عرض معذرت از ایشان امروز ۲۶ می به نشر آن می پردازیم. اداره

**** * ****

از ترکیب مواد و اجزای مشخص و معین زمانی ماده و چیزی مشخص بوجود می آید که ما با داشتن علم کامل به این مفردات و اجزاء عملیه ترکیب را به پیش ببریم و اجراء کنیم. تحلیل سیاسی زمانی وارد و درست است که ما قطعات کوچک این تصویر بزرگ بازی پوزل را در جای درست قرار دهیم.

بازی مشهور پوزل چنین است که بازیگر (تحلیلگر) قطعات کوچک تصویر بزرگ را در اختیار دارد و وی با گذاشتن این قطعات خورد در جای مناسب تصویر را تکمیل کرده و به نمایش میگذارد. اگر مثلاً این قطعات کوچک مربوط به چهره یک انسان باشد و بازیگر پوزل گوش را در جای بینی و بینی را در جای گوش قرار دهد، تصویر خواهد بود اما تصویر مغشوش و غیر واضح و در مواردی غلط.

تحلیل سیاسی هم به فهم من چنین است!

ما هر قدر مفردات و اجزای دقیق و درست تصویر بزرگ داشته و قصد دادن تصویر درست داشته باشیم و با ایمان و صادق عمل کنیم، تصویر را خواهیم داد که عینی و واقعی باشد و بعد مطابق آن تصویر درست و واقعی بکشیم و بیرون کنیم در طبابت نیز تداوی و معالجه زمانی درست است که تشخیص و دیاگنوس (تصویر) درست باشد! تشخیص درست شده میتواند!

با ملاحظات و مقدمه بالا آنچه در عقب پرده میگذرد خبر نداریم اما آنچه در روی ستیج و روی پرده به نمایش داده میشود، وضع تأسف بار و در مواردی دارد که جریانات به پرتگاه غلطیدن و افتادن را نشان میدهد و دارد که اهداف دشمن در حال تحقق اند.

اینکه با دیدن عینی بخش از حد اقل ربع گیلاس پُر است و ما با قربانی های زیاد، خون و عرق زیاد افغانستان حال در جایگاه دیگر و در موارد بهتر نیز قرار دارد و دیگر آن افغانستان ۱۸ سال قبل نیست .

اما بردن افغانستان به ۱۸ سال قبل و تکرار بُن و آن تصامیم به صورت مجدد و ضیاع وقت و زمان، تلاش و اعلان کبار کردن دار و ندار و نیروهای امنیتی، انهدام و انفجار بند ها و سرکها و انهدام نظام و ساختار و لو شکلی و در موارد بی محتوی اصلاً قابل قبول نیست و نباید به آن اجازه داد. نباید به قدرت های خورد و بزرگ و همسایه های طماع فرصت ادامه شرارت و فتنه در افغانستان داد تا کما کان همه دار و ندار ما را مفت و رایگان به یغما ببرند و ما را برای اهداف خورد و ریزه خویش استعمال کنند و با تمسخر و توهین بر ما بازی کنند و ما را خورد و ناتوان تر سازند .

از آب، جنگل، چوب، معدن، بازار، نیروی بشری، زمین و فضای ما استفاده نموده و تنگ به دست ما بدهند تا بر روی برادر بکشیم.

ما نیز با اندیشه های وارد و نا وارد سُرخ و سبز و در موارد با جهالت و سبکسری سیاه خود را سفید گفته و بر دیگران با جهالت و عده با معذور بودن و حتی عده مزدور بودن دنیا و آخرت خویش را خراب کردیم. افکار و اندیشه تحمیل کردیم و آن حق که برای خود دادیم از دیگران سلب کردیم.

زنده به گور کردن ها، سینه بریدن ها، رقص بسمل ها، دشت لیلی ها، از طیاره پرتاب کردن های زنده انسانها، قین و پانه ها و دهها جرم و جنایت به شمول ممد و همکار نزدیک دهها زندان غیر مشروع و تصفیه های قومی و سمتی را کی مرتکب شد و این افراد با داشتن مسوولیت جزایی و یا سیاسی کجا اند و چه شدند؟

در ظرف ده سال و کم و بیش والی بودن، ملیاردر شدن به جز خیانت کردن چیزی دیگر را ثابت نمی سازد !
معدن افغانستان به یغما برده شد و برده میشود و این را کس اجراء میکند .

درچنین فضای عقل سلیم و وجدان، عقیده و اسلام، انسانیت و دور اندیشی حکم میکند که با روش پرگمیتیک و انتخاب ضرر کم از ضرر بیشتر باید جلوگیری از ادامه شر و فساد شده و عملاً منافع علیای کشور، ملت و اسلام را در نظر گرفت !

باور داشت که مردم فهم و درایت سیاسی بهتر دارند و عمق مسایل را درک نموده و درین عرصه باید دستگیر و رهنمای صادق شد و استقامت خیر امور داد !

ما در بیشتر از ۱۸ سال حاکمیت های اخیر دیدیم، هر زمانیکه حُکام افغانی مصروف اعمار و عمران و ملت سازی شده اند، دشمنان دور و نزدیک و در قدم اول ایران و پاکستان این حُکام را با وسایل مختلف منحرف و مصروف چیزهای دیگر ساخته اند!

میدانیم و یقین داریم که پولهای در پاکت و خریطه برای جناب حامد کرزی برای وی در حاکمیت اش به این خاطر داده نمی شد که در مقابل جناب شان کدام خیانت در حق ملت افغان به نفع ایران کند. ایرانیها این را به هیچ صورت از جانب حامد کرزی توقع نداشتند و نه جناب حامد کرزی به آن موافق میشد و نه شده است. اما چیزی که ایشان میتوانند و کردند، آن به طور مثال نصب کسی بر وزارت آب و برق افغانستان بود که وی بنا بر عدم توانایی مسلکی و یا بنا بر تعهدی و منت داری به ایرانی کاری را کرده نمی توانست و نمی کرد که کشور ایران را خفه سازد. تصادفی

نیست که بند کمال خان نیم قرن بعد به بهره برداری رفت و از دهها پروژه آبی برق ما به برق وارداتی و ... متوسل شدیم. (آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم).

حال که بعد از قرون متمادی افغانستان فرصت دارد استاد معتبر معروف جهانی در رأس و زمام امور قرار دارد باید از همان آغاز، از مرحله مشروعیت تا این دم با چنان مشکلات و موانع مواجه شود که حتی عده زیادی او مبلغین طرفدار وی جرئت پشتیبانی از وی را نداشته و در موارد وی چنان تصامیم اتخاذ کند که دوستان نزدیک سیاسی وی دست از پشتیبانی وی بردارند و یا حد اقل سکوت کنند .

برای مردم افغانستان و ضمیر صادق افغان قابل قبول نیست که پاکستان مناطق مستند به تاریخ و توافقات جهانی را که جزء خاک پاکستان نیست به حیث خاک پاکستان اعلام نموده و افغانستان ساکت است. به طور دوامدار به مناطق بین افغانستان و پاکستان امروز در داخل خاک افغانستان راکت پرانی های دواندار و خالی کردن مردم از محلات شان نماید و حکومت افغان ساکت بماند .

برای افغانهای با عزت و با ضمیر قابل قبول نیست که پاکستان در داخل افغانستان حتی فراتر از خط تصویری و خیالی دیورند لاین در داخل افغانستان سیم خاردار و دروازه میزند و دروازه اساده میکند و جانب افغان در مورد ساکت است .

شهادت جنرال رازق و رازقها را میدانیم چه دسایس در عقب داشت و دارد. سکوت حاکمیت در مورد دلیل بزرگ مخالفت به حاکمیت و در موارد بهتر فاصله با سکوت است !

بخش زیادی از مخالفت متحدین این حاکمیت همین نارضایتی ها هم است!

اما آنچه اپوزیسیون؟! در داخل حاکمیت است برای ایشان سفارش دارم که اگر به این و با آن برنامه حاکمیت مخالفت دارید لطفاً برنامه الترناتیف و قایمقام پیش کش کنید و مخالفت خویش را در سهم کم و یا سهم نداشتن در تقسیم غنیمت و تقسیم کیک خلاصه نه کنید !

متأسفم که علت قطع علایق و علت عدم اشتراک در لویه جرگه مشورتی ۵ میلیون دالری عدم تماسهای رئیس جمهور با اپوزیسیون داخل حاکمیت؟! اعلان شد و در محتوی کار مخالفت و دلیل آن برای من ملت بیان نمی شود. سفارش به این چنین است تا مخالفت برای مخالفت است تا مخالفت برای سازندگی و الترناتیف بهتر! تعجب به اعتبار به نفس بخش دیگر حاکمیت کردم که اعلان داشت این اختلاف حل میشود!

سفارش من به جناب محمد اشرف غنی رئیس جمهور است که:

عمدتاً و اصولاً علت پشتیبانی افراد برنامه محور از شما در بین افغانها برنامه های شما، خاصتاً برنامه های اقتصادی و سیاسی شما بود و یا است. علت فاصله از شما و یا مخالفت با شما در بین افغانها نیز در همین است . عوامل دشمنی باشما از جانب حکومت همسایه ها یعنی در قدم اول پاکستان و ایران و عمال شان نیز همین برنامه های سیاسی و قبل از همه اقتصادی شماست .

توانایی های شناخت شما از جامعه جعانی نیز دلیل اساسی غیر قابل بودن شما برای شان است. عوض شما هر بی کفایت برای شان قابل قبول است! اگر این کس و تیم نوکر و متعهد شان باشد خو فیها !

این همه را میدانیم اما تجربه ۱۸ ساله نشان داده، هرزمانیکه کدام بحث و کار ساختمانی و اعمار تاریخی، بند، آب، برق، پروسس سنگ، چوب، سرک و ... را حاکمیت روی دست گرفت، دشمنان و همسایه های طماع توسط معلومات

خود و توسط عُمال اجیر داخل نظام به بادران پاکستانی و ایرانی خویش از سر میز حکام افغانی خبر داده اند که فردا دارند شما بر این پروژه های حیاتی تمرکز دارید لذا همان فردا چنان مشکل را برای شما ایجاد و چاق کرده اند که شما را از تمرکز به پروژه عمرانی و تعمیراتی حیاتی باز دارند .

سفر های بی نتیجه مجلل و مفسن حاکم قبلی و مصروفیت های بی نتیجه شش هفت روزه اخیر در مورد آمادگی به کنفرانس دوحه و دهها مورد دیگر که حضور شخص اول در آن در همه جزییات حتمی نیست ازین قبیل اند . مصروفیت های شما بدون اولویت دادن به کارهای کلیدی کار غیر دقیق و در نهایت امر خواست دشمن است. همانگونه که مصروفیت رمبویی شخص اول اداره در پیش کمره و مصروفیت معاول اول رئیس جمهور در نقش قومندان عملیاتی ولسوالی قابل قبول نیست !

لذا پیشنهاد دارم که تمام کارهای مربوطه را به افراد دیگر سپرده و از ایشان نتیجه بخواهید و شما به کار های بنیادی عمرانی و پروژه های اساسی عمرانی مدیریت آب، برق، معدن، سنگ، چوب، سرک، مواصلات و ... تمرکز کنید. هر روز بلی هر روز باید در تقسیم اوقات کاری شما حداقل یک برنامه عمرانی بنیادی باشد. این برنامه های بنیادی عامل بر علاوه آوردن تغییرات مثبت، ایجاد شغل، تغیر مثبت در دسترخوان و عامل پشتیبانی از شما و تیم شما خواهد شد و است !

بلی به این سفارش مشخص باید در عمل رفت!

مصالحه و مصالحه سیاسی سیاست عالی، انسانی و قایمقام خوب ندارد. طالب واقعبیت جامعه و باید جزء ستیج سیاسی از طریق مشروع باشد. مذاکره و مصالحه سیاسی با طالب خیرات نیست. اما در اجرای سیاست مصالحه سیاسی و پیش بُرد آن چنان خطاء های مبدایی و اساسی وجود دارند که ادامه آن سبب ادامه تراژیدی ملت افغان، ضیاع وقت بیشتر، بی ثباتی و فریب میشود .

خطاء های از مراجع کلیدی این پروسه سر میزنند و با تکرار مکرر هنوز هم عده زیادی از مسوولین دست اول امور تفاوت بین مصالحه سیاسی و مصالحه ایدیولوژیکی را با حرکت طالب نمی دانند. به قطر و دوحه میروند و برنامه مشخص ندارند. برنامه و اجندای تغیر ایدیولوژیکی حرکت طالب اجندای خوب و مؤثر نیست، چه طالب برای آن مفتی خود را دارد. ملت افغان، ما با ایدیولوژی انتحار، انفجار و استعمار سازی مصالحه نداریم.

صلح باعزت با شعار صلح به هر قیمت در تناقض است،

مصالحه به معنای آمادگی به جنگ دیگر همخوانی ندارد .

مصالحه بی هویت سازی سازگار نیست .

در نشست ها و کنفرانس ها توافق به آنچه حق ملت و تحمیل بر یکدیگر آنچه حق ملت است، یا عدم فهم از مسأله و یا منحصر سازی حق ملت به یک کُتله خورد خطاء و گستاخی بیش نیست!

در مذاکره و مصالحه روش فریب و دوکه و دیگران راجاهل تصور کردن جهل خود است !

تحمیل افکار و اندیشه های خود بر دیگران و جزیه گیری، اولویت دادن به منافع دیگران و قربانی کردن منافع و مصالح افغان با خدمت برای منافع و مصالح حتی متحدین خورد و بزرگ قابل قبول نیست. این حالت موجب مخالفت، نفرت و تجرید حاکمیت افغان شده و اصولاً هم درست نیست .

لذا نتیجه این که معضل و مشکل افغانستان مشکل حل نا شدنی نیست و افغانستان به قحط الرجال هم مواجه نیست !

دهها افغان با عزت و متعهد به منافع و مصالح کشور و مردم در داخل و خارج از کشور رفتن به خدمت در حکومت را امتیاز نه بلکی قربانی میدانند و رفتن به قربانی را به هر قیمت و نُقل گذاری به هر کس و ناکس ضرور نمی دانند!

سفارش من به تمام افغانهای با عزت و با شرف است تا رسالت خویش را در چوکات امکانات دست داشته اداء کنند و نه گذارند دیر شود!

ما میتوانیم با کف زدن به سخن حق، نشر و عام سازی منطق آن، کمک در فهم درست مسایل و عملی کردن فهم درست از مسایل رسالت خود را اداء کنیم!

نباید صرف اعتراض کرد، در پهلوی اعتراض طرح سازنده باید داد و من باور دارم که مشکل افغانستان به نفع مردم افغانستان و راه درست حل شدنی است و این ممکن است! و من الله التوفیق

سفارشها و سفارش مشخص به رئیس جمهور!

[Saidi_s_sefaresh_haa_ba_rais_jamhoor.pdf](#)

